

نظام حقوقی جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک و مالکیت ایران بر این جزایر در حقوق بین الملل دریاها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۶/۰۳)

احمد خاشعی^۱

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

دکتر مجید گل پرور

دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

چکیده

این پژوهش به بررسی حقوقی مالکیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در چارچوب حقوق بین الملل دریاها و تحلیل ادعاهای تاریخی و حقوقی طرفین اختلاف (ایران و امارات متحده عربی) می پردازد. این جزایر که در خلیج فارس واقع شده اند، از نظر موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی و حاکمیت ملی دارای اهمیت فوق العاده ای هستند و سوال اصلی این پژوهش: مبانی حقوقی حاکمیت و مالکیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در حقوق بین الملل دریاها چگونه است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، اسناد تاریخی، معاهدات بین المللی و رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری انجام شده است. یافته های تحقیق نشان داد: اسناد تاریخی (از جمله قرارداد های ۱۹۰۴ و ۱۹۷۱) نشان دهنده حاکمیت بی منازع ایران بر این جزایر است. اقدامات عملی ایران (مانند استقرار نیروها و اداره جزایر) مطابق با حقوق بین الملل عرفی بوده است. ادعاهای امارات متحده عربی فاقد پشتوانه حقوقی مستند در اسناد بین المللی



است و کنترل ایران بر این جزایر، مطابق با کنوانسیون حقوق دریاها (UNCLOS)، به رسمیت شناخته می‌شود. به استناد یافته‌های پژوهش این نتایج حاصل شد که، با توجه به اسناد تاریخی، معاهدات دو جانبه و حقوق بین‌الملل، مالکیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک مشروع و غیرقابل چالش است. هرگونه ادعای خلاف از سوی امارات، فاقد اعتبار حقوقی بوده و حاکمیت ایران بر این جزایر باید در چارچوب حقوق بین‌الملل دریاها به صورت کامل به رسمیت شناخته شود.

واژگان کلیدی: جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، حقوق بین‌الملل دریاها، حاکمیت ایران، خلیج فارس، کنوانسیون حقوق دریاها، امارات متحده عربی



۱- مقدمه

قدرت‌های دریایی یکی پس از دیگری، حاکم بودن بر آب‌های جهان را در اختیار گرفتند و در جهت افزایش این قدرت کمترین حقوق را برای دولتهای ساحلی قایل شدند. در مقابل، دولتهای ساحلی برای تأمین امنیت خویش، بهره برداری از منابع دریایی و بعدها منابع زیر بستر (در جهت افزایش تسلط خود) بر میزان بیشتری از آب‌های ساحلی کوشش می کردند. بحث‌ها و کشمکش‌های فراوانی طی قرن هفدهم تا قرن حاضر بین دولتها در این زمینه وجود داشته که گاهی اوقات به درگیری‌هایی نیز منجر شده است. پس از جنگ جهانی اول و با تشکیل جامعه ملل، اولین کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۳۰م. در شهر لاهه تشکیل شد که به هیچگونه تفاهمی دست نیافت اما طرح مسأله در میان کشورها به عنوان اولین قدم قابل توجه بود. سازمان ملل متحد نیز با تشکیل دو کنفرانس در سالهای ۱۹۵۸م. و ۱۹۶۰م. تلاش کرد تا به اتفاق نظری در مورد حقوق بین الملل دریاها دست پیدا کند که توفیق چندانی را به همراه نداشت. علاقه مندی حاکمان و دولتها برای گسترش حیطه حاکم بودن خویش بر دریاها سابقه ای بسیار طولانی دارد، اما توجه قدرتهای استعماری اروپا در نیمه دوم قرن پانزدهم به کشف مناطق جدید و تصرف سرزمینهای تازه، باعث افزایش فوق العاده این توجهات به سوی دریاها شد. جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، واقع در خلیج فارس، از نظر جغرافیایی، سیاسی و حقوقی دارای اهمیت فوق العاده‌ای هستند. این جزایر به دلیل موقعیت استراتژیک خود در تنگه هرمز و نزدیکی به مسیرهای مهم کشتیرانی بین المللی، همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده‌اند. مالکیت و حاکمیت ایران بر این جزایر، بر اساس اسناد تاریخی و موافقت‌نامه‌های دو جانبه (مانند تفاهم‌نامه ۱۹۷۱ میان ایران و بریتانیا) تثبیت



شده است. با این حال، ادعاهای امارات متحده عربی در دهه‌های اخیر، این مسئله را به یک چالش حقوقی و سیاسی در عرصه بین‌المللی تبدیل کرده است.

موضوع حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، یکی از مهمترین مسائل مرتبط با تمامیت ارضی ایران و یکی از مناقشه انگیزترین مباحث در روابط ایران با کشور امارات متحده عربی است. این موضوع در شرایط کنونی دارای ابعاد متعدد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و حقوقی شده باید همواره مورد توجه مسئولین نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران باشد. با توجه به اهمیت اصل تمامیت ارضی و نیز اهمیت سوق الجیشی این جزایر برای ایران، این مسأله درک درست اختلاف بر سر جزایر سه گانه ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، به شناخت و بررسی منطقی و معقول سوابق ارتباط انگلیسی‌ها با ایران و جریان‌ات و حوادث مربوط به آن، بستگی دارد. از آغاز ورود انگلیسی‌ها به محدوده خلیج فارس تا زمانی که جزایر ابوموسی، تنب و... توسط دولت انگلستان، اشغال و در اختیار شارجه و رأس الخیمه قرار داده شد همواره ایران بر آبهای خلیج فارس حاکمیت داشته است. اشغال این جزایر توسط بریتانیا با توسل به برخی قواعد و اصول حقوق بین‌الملل به ویژه اصل حقوقی «سرزمین بلاصاحب» صورت گرفت. این در حالی بود که این جزایر هم. این کنوانسیون به بررسی حقوق کشورها در خصوص آب‌های سرزمینی، منطقه اقتصادی انحصاری و پلتفرم‌های قاره‌ای می‌پردازد و لذا تأثیرات آن بر وضعیت حقوقی جزایر مذکور غیرقابل انکار است. با این حال، اختلافات تاریخی و سیاسی میان کشورهای همسایه و چالش‌های ناشی از تفسیر قوانین بین‌المللی می‌تواند بر وضعیت حقوقی این جزایر تأثیرگذار باشد. با توجه به مطالبی که بیان شد، این تحقیق بدنبال پاسخگوی به این پرسش می‌باشد: نظام



حقوقی جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها چگونه است؟

۲- بررسی نظام حقوقی تحدید حدود دریاها

موضوع حقوق دولتها در دریاها با افزایش دریانوردی انگلستان در آبهای آزاد ابتدا با هدف ماهی گیری و سپس با هدف نظامی مطرح گردید. حقوق دریاها به عنوان بخشی از حقوق بین الملل شناخته شده است که عمده ترین قواعد خود را مدیون کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۱۹۸۲ است. حقوق دریاها به موضوعات مختلفی چون تحدید حدود دریایی، محیط زیست دریایی، ماهیگیری و فعالیت های تحقیقاتی دریایی، سرمایه گذاری دریایی، صلاحیت کشورها در جرائم دریایی و کشتیرانی دریایی می پردازد. دریاها به شش منطقه دریای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، منطقه نظارت، منطقه بستر عمیق دریا و دریای آزاد تقسیم می شود. در تقسیم این شش بخش بعضاً اتفاق می افتد که دو کشور ساحلی که در کنار یا روبروی یکدیگرند مجبور به انصراف از بخشی از سهم خود شوند و به عبارت دیگر مرزی میان آنها تعیین شود. برای این امر در کنوانسیون حقوق دریاها راهکارهایی در نظر گرفته شده است. ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق دریاها خط منصف را برای تحدید حدود قلمروی دریای انحصاری اقتصادی به رسمیت شناخته است و بند ۱ ماده ۸۳ اصول توافق شده (طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری) و خط منصفانه را برای تحدید حدود فلات قاره کشورهای همجوار اعلام کرده است. با این حال این کنوانسیون در خصوص تحدید حدود مناطقی چون رودخانه های مرزی و دریاچه ها ساکت است در مجموع روش های که برای تحدید حدود دریایی بیان شده عبارتند از خط منصف، خط منصفانه، خط تالوگ و خط مبتنی



بر تناسب. اصل انصاف و تناسب مبتنی بر اوضاع و احوالی مانند وضعیت جغرافیایی، وضعیت ساحلی، جزایر، جمعیت شناسی، منابع، رفتار دول ساحلی و حق تاریخی هستند. تحدید حدود دریایی در آرای بین المللی: موضوع تحدید حدود دریایی و اصول مربوط به آن در برخی از آرای دیوان بین المللی دادگستری ذکر شده است مانند قضایای فلات قاره دریای شمال (۱۹۵۲)، ایسلند و بریتانیای کبیر (۱۹۷۴)، تونس و لیبی (۱۹۸۲)، خلیج (۱۹۸۴)، دانمارک و نروژ (۱۹۹۳)، بلژیک و هلند (۱۹۹۵)، لتونی و استونی (۱۹۹۶)، کامرون و نیجریه (۲۰۰۲) و رومانی و اکراین (۲۰۰۲) دیوان در قضیه فلات قاره دریای شمال برای اولین بار با خیانت به تعهدات قراردادی کنوانسیون ۱۹۵۸ (حقوق فلات قاره) تقسیم بر اساس اصل انصاف را از حقوق عرفی قلمداد نمود. در این قضیه منابع زیر بستر دریا و حالت ژئولوژیکی مبنای تصمیم قرار گرفتند. دیوان در قضایای رومانی علیه اوکراین و لتونی علیه استونی، وضعیت جزایر را ملاک تحدید حدود قرار داد. موضوع تحدید حدود دریایی در آرا بین المللی مانند داوری های بین المللی و دیوان بین المللی دریاها مطرح بوده است (چرچیل رابین و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، ۱۳۹۴).

۳- تعریف حقوقی "جزیره" (ماده ۱۲۱ UNCLOS):

تعریف: "سرزمینی که به طور طبیعی تشکیل شده است، توسط آب احاطه شده و در زمان جزر (پایین ترین سطح آب) نیز بالای آب قرار دارد".

تشکیل طبیعی: جزایر باید به طور طبیعی شکل گرفته باشند. جزایر مصنوعی (ساخته دست بشر) جزیره محسوب نمی شوند و فقط می توانند در اطراف خود یک منطقه ایمنی ۵۰۰ متری داشته



باشند (ماده ۶۰). آن‌ها مناطق دریایی (فلات قاره، منطقه انحصاری اقتصادی EEZ -) ایجاد نمی‌کنند.

محصور بودن توسط آب: باید کاملاً توسط آب احاطه شده باشد.

پایداری در زمان جزر: باید در پایین‌ترین حالت جزر نیز کاملاً بالای سطح آب باشد. سنگ‌ها و فلاته‌های (shoals) که در زمان مد زیر آب می‌روند، جزیره محسوب نمی‌شوند.

۴- رژیم حقوقی کلی جزایر (ماده ۱۲۱ UNCLOS):

اصل بنیادین: جزایر، همانند سرزمین اصلی، می‌توانند مناطق دریایی (آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی EEZ و فلات قاره) ایجاد کنند.

۵- حقوق جزیره:

حاکمیت سرزمینی: دولت ساحلی دارای حاکمیت کامل بر جزیره، آب‌های داخلی و دریای سرزمینی آن است.

حق ایجاد مناطق دریایی: جزیره می‌تواند خط مبدا برای تعیین دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) و فلات قاره داشته باشد.

حق بهره‌برداری از منابع: دولت ساحلی حق حاکمیت برای بهره‌برداری از منابع زنده (ماهی‌گیری) و غیرزنده (نفت، گاز، مواد معدنی) در آب‌های سرزمینی، EEZ و فلات قاره اطراف جزیره را دارد.



حق عبور بی ضرر: کشتی‌های همه دولتها از حق عبور بی ضرر در دریای سرزمینی اطراف جزیره برخوردارند.

۶- محیط شناسی و موقعیت ژئوپولیتیک جزایر

الف) جزیره ابوموسی

از مجموع حدود ۱۳۰ جزیره شناخته شده در خلیج فارس، جزیره «ابوموسی» بعنوان جنوبی ترین جزیره ایرانی خلیج فارس محسوب میشود. جزایر ابوموسی با وسعتی بالغ بر ۱۲/۸ کیلومترمربع در آبهای گرم دریای پارس و در مختصات جغرافیایی میان ۵۵ درجه تا ۵۵ درجه و ۳ دقیقه طول جغرافیایی و ۲۵ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۲۵ درجه و ۵۴ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد (طبرسا، ۱۳۸۷: ۴۵). ابوموسی از شمال در فاصله ۲۴ مایلی (۱۵/۴۴ کیلومتری) جزیره تنب کوچک، از شمال شرقی در فاصله ۲۸ مایلی (۸/۵۱ کیلومتری) جزیره تنب بزرگ و از غرب در فاصله ۲۵ مایلی (۳/۴۶ کیلومتری) جزیره سیری (سری) و از جنوب در فاصله ۲۵ مایلی (۸/۶۴ کیلومتری) شارجه در امارات عربی متحده واقع شده است، (گلوردی، ۱۳۸۱: ۸۰).

جزیره ابوموسی به نامهای بوموسی، بوموف و گپ سبز و باباموسی نامیده شده است (افشار سیستانی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). این جزیره در اسناد تاریخی و در نقشه‌های قدیمی بوموف یا بوموسو ثبت شده است. «بوم» بمعنی مکان است و «سو» چند معنی دارد: سو مخفف سوز نام یک نوع سبزی است و بطور کلی نیز در زبان فارسی کهن معنی سبز می دهد و در مجموع می توان آن را بمعنای سرزمین سبز نامید (جعفریولدانی، ۱۳۷۶: ۳۳). جمعیت این جزیره طبق آخرین



سرشماری نفوس و مسکن که در سال ۱۳۹۰ بالغ بر شش هزار نفر تخمین زده شده است (مصاحبه با فرماندار ابوموسی، ۱۵ اردیبهشت، ۱۳۹۱).

جزیره ابوموسی از منظر اقتصادی بدلیل نداشتن آب شیرین کافی و اراضی مناسب کشاورزی درخور توجه نیست، اما در مقابل بدلیل فراوانی انواع ماهیها و صدفهای دریایی، بومیان این جزیره به صید ماهی و مروارید مشغول هستند

ب) جزیره تنب بزرگ

جزیره تنب بزرگ با مساحت ۱۰/۵ کیلومترمربع در پهنه جنوب شرقی خلیج فارس با مختصات جغرافیایی ۵۵ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۵۵ و ۱۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۲۶ درجه تا ۲۶ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد (طبرسا، ۱۳۹۰: ۱۰۴). این جزیره از شمال به جزیره قشم، از غرب به جزیره تنب کوچک، از جنوب به جزیره ابوموسی و رأس الخیمه و از شرق به عمان محدود است. فاصله جزیره تنب بزرگ تا جزیره قشم ۱۶ مایل (۶/۲۹ کیلومتر)، تا جزیره تنب کوچک ۷ مایل (۱۳ کیلومتر)، تا ابوموسی ۲۸ مایل (۸/۵۱ کیلومتر) تا بندرلنگه ۲۷ مایل (۵۰ کیلومتر) است (گلوردی، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۵۶). جزیره تنب بزرگ از نظر پوشش گیاهی تقریباً فقیر است و از لحاظ اقلیمی جزو مناطق گرم و مرطوب می باشد. بیشترین و کمترین دمای هوای ثبت شده در این جزیره بترتیب ۴۵ و ۹ درجه سانتیگراد است در رابطه با نام پیشینه تاریخی جزیره تنب بزرگ می توان گفت که این جزیره را تمب یا تل مار، تمب گپ (در زبان دریانوردان بومی) طنّب، تمب (بمعنای تپه) و... نامیده اند (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۷۱: ۳۶۸-۳۶۷). این جزیره نیز همانند جزیره ابوموسی کاملاً مسکونی است و جمعیت آن نیز طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۹۰ مشتمل بر ۳۱۰ نفر در جمع ۵۲ خانوار بودند.



ج) جزیره تنب کوچک

این جزیره با وسعت $1/2$ کیلومتر مربع در جنوب بندر لنگه و در غرب جزیره تنب بزرگ با مختصات جغرافیایی 55° درجه و $8'$ دقیقه تا 55° درجه و $9'$ دقیقه طول جغرافیایی و 26° درجه و $41'$ دقیقه تا 26° درجه و $15'$ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است (طبرسا، ۱۳۹۰: ۵۴). جزیره تنب کوچک از شمال با فاصله 23 مایل ($5/42$ کیلومتر) به شهرستان لنگه، از جنوب غربی با فاصله 21 مایل ($8/38$ کیلومتر) به جزیره ابوموسی، از شرق با فاصله 8 مایلی (13 کیلومتر) به جزیره تنب بزرگ و از غرب با 32 مایل (60 کیلومتر) به جزایر فارور و فارورگان محدود است. جزیره تنب کوچک همانند تنب بزرگ از لحاظ اقلیمی جزو مناطق گرم و مرطوب بوده و میزان رطوبت هوا در آن تقریباً بالاست. درجه حرارت هوا در فصل گرما به 45° درجه و در فصل سرما به 9° درجه سانتیگراد می‌رسد. این جزیره از نظر پوشش گیاهی فقیر است و فقط برخی از گیاهان مقاوم در برابر خشکی و شوری در آن می‌رویند. این جزیره فاقد آب آشامیدنی می‌باشد و به بیشتر به همین دلیل خالی از سکنه است.

۲- موقعیت و اهمیت ژئوپولیتیک جزایر تنب و ابوموسی

موقعیت و اهمیت سه جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به هیچ وجه از موقعیت و اهمیت خلیج فارس جدا نیست. خلیج فارس جدای از اینکه محل اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا است و در گذشته از حیث ارتباطات و راههای مواصلاتی دارای ارزش و اعتبار بوده، کشف ذخایر ارزشمند نفت و گاز در آن سبب شده اهمیت جدیتری بیابد. خلیج فارس حدود 65% از کل ذخایر شناخته شده نفت و همچنین 30%



از مجموع ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد و بدلیل وجود ذخایر عظیم انرژی از آن بعنوان انبار نفت جهان یاد می شود. دقیقاً به همین دلیل است که خلیج فارس نقش بسیار تعیین کننده یی در اقتصاد جهان بازی می کند دیگر جنبه اهمیت خلیج فارس، وجود بازار کالا و تجهیزات نظامی در این منطقه است. کشورهای حاشیه خلیج فارس با بیش از یکصد میلیون نفر جمعیت و درآمدهای بالای نفتی، یکی از مهمترین بازارهای خرید کالا و تجهیزات نظامی محسوب می شوند، اما آنچه که اهمیت ویژه یی به خلیج فارس می بخشد، تنگه هرمز است. خلیج فارس دریای نیمه بسته یی است که بازوی اقیانوس هند بشمار می رود و تنگه هرمز کلید آن محسوب می شود. این تنگه از منظر ژئوپولیتیکی از جایگاه ویژه یی برخوردار است. براساس نظریه «اسپایکمن» هرکس که «ریملند» را کنترل کند، دنیا را کنترل خواهد کرد. منظور از ریملند، کشورهای ساحلی شبه جزیره یی واقع در غرب و جنوب اروپا آسیاست. بر اساس این نظریه، تنگه هرمز مرکز ریملند است و بخشهای شمالی، جنوبی، غربی و شرقی ریملند را به هم متصل می کند؛ بنابراین طبق این نظریه، کنترل تنگه هرمز به مفهوم کنترل چهار بخش یاد شده خواهد بود. تنگه هرمز، اصلی ترین و عمده ترین راه ارتباطی کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس با جهان خارجی می باشد. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس بلحاظ صادرات نفت و واردات کالا شدیداً وابسته به تنگه هرمز هستند. از سایر کشورهای منطقه که بگذریم خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. کشف نفت و افزایش صادرات آن در آغاز قرن بیستم و وابستگی کشور به درآمدهای حاصل از آن سبب شد که حتی منافع ملی ایران در خلیج فارس متمرکز گردد. در حال حاضر نیز اقتصاد ایران با خلیج فارس و تنگه هرمز پیوندخورده است. امروزه حتی سرنوشت اقتصاد ایران را سواحل، بنادر و جزایر خلیج فارس تعیین می کنند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۵۲-۵۱). از منظر



ژئوپولیتیکی هیچ کشوری در خلیج فارس و تنگه هرمز مانند ایران نیست. از لحاظ نظامی و جمعیت ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه، جایگاه بالاتری دارد؛ چنانکه تنهایی ۶۰٪ از کل جمعیت منطقه را در خود جای داده است. همچنین ایران با داشتن ۱۳۷۵ کیلومتر خط ساحلی از بندرعباس تا شبه جزیره فاو به تنهایی ۵۶٪ درصد کل سواحل خلیج فارس را در اختیار دارد (الهی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). علاوه بر موارد فوق، بزرگترین حوزه های نفتی و گازی خلیج فارس در اختیار ایران است؛ یعنی حدود ۵/۱۶٪ ذخایر نفت و ۵/۴۵٪ ذخایر گاز منطقه. از آنجایی که تقریباً تمامی نفت ایران از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز به خارج صادر می شود، شدیداً به این منطقه (تنگه هرمز) وابستگی دارد. همچنین حدود ۸۰٪ تجارت خارجی ایران از طریق خلیج فارس انجام می پذیرد. در مجموع با توجه به اهمیت فوق العاده خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران نمی توان تأثیر جزایر واقع در خلیج فارس را جهت حفظ این منطقه نادیده گرفت. در میان جزایر بسیاری که در خلیج فارس وجود دارند جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی دارای جایگاه کلیدی ژئوپولیتیک و استراتژیک در نگهداری امنیت و آزادی کشتیرانی در محدوده تنگه هرمز هستند. «در خصوص کشتیرانی در خلیج فارس و اهمیت جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک در این میان باید اشاره کرد که به علت عمق کم آب در تمامی نقاط تنگه هرمز که از رأس المسندم تا بندرعباس امتداد دارد. کشتیهای بزرگ قادر به عبور نبوده و مجبورند از ناحیه محدودی که معادل پانزده کیلومتر است و عمق آب جهت عبور آنها کافی است حرکت نمایند. از آنجایی که جزیره های تنب و ابوموسی در ژرفترین بخشهای خلیج فارس و در درون دالانهای رفت و بازگشت طرح جداسازی رفت و آمد جهانی کشتیها قرار گرفته اند، کشتیهای بزرگ جنگی و نفت کشها مجبورند از کنار جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی عبور کنند. علاوه بر موقعیت جغرافیایی این جزایر



که آنها را از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار نموده است، آنها اهمیت ویژه‌ی در دفاع از ایران دارند و از منظر نظامی دارای موقعیت ویژه‌ی تدافعی هستند. البته اهمیت این موقعیت با توجه به جغرافیای طبیعی خلیج فارس فقط برای کشور ایران مهم است نه برای سایر کشورهای منطقه؛ چرا که ایران بر تعدادی جزایر برخوردار از موقعیت ممتاز و استراتژیک در تنگه‌ی هرمز در دهانه‌ی خلیج فارس حاکمیت دارد که عبارتند از: هرمز، لارک، هنگام، قشم، تنب بزرگ و ابوموسی. این جزیره‌ها با توجه به اینکه در فاصله‌ی کوتاهی از یکدیگر قرار گرفته‌اند، زنجیره‌ی قوسی دفاعی ایران را در تنگه‌ی هرمز تشکیل می‌دهند. یک منحنی فرضی که این جزایر را به هم وصل نماید، اهمیت استراتژیک آنها را در کنترل امنیت تنگه‌ی هرمز و نگهداری از کرانه‌ها و بندرهای ایران در این نقطه نشان می‌دهد که در صورت بروز هر گونه تهاجم نظامی علیه کشور، جزایر مذکور می‌تواند بمثابة یک سپر دفاعی عمل کرده و در صورت تجهیز و آماده‌سازی مناسب، حجم وسیعی از عملیات و تحرکات نظامی را چه بصورت دفاعی و یا بصورت تهاجمی مدیریت کنند (همشهری آنلاین، شماره ۱۵۳). ایجاد چنین زنجیره‌ی دفاعی یا عبارتی خط دفاعی بوسیله‌ی شش جزیره‌ی مذکور از اهمیت ژئواستراتژیکی برای کشور ایران برخوردار است؛ چرا که این شش جزیره بخصوص ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بدلیل اشراف نسبی خود بر تنگه‌ی هرمز بعنوان گلوگاه استراتژیکی خلیج فارس منافع اقتصادی و نظامی این کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. همانطور که گفته شد، درصد بسیار بالایی از مبادلات تجاری و همچنین تردد کشتیهای نفتکش از طریق همین تنگه‌ی هرمز صورت می‌پذیرد. پس از اعاده‌ی حاکمیت ایران بر جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک در تاریخ ۹ آذر ۱۳۵۰ هـ.ش، ۲۱ نوامبر ۱۹۷۱ م امارات متحده‌ی عربی با طرح ادعاهای مکرر واهی مبنی بر حاکمیت بر این جزایر البته با تحریک کشورهای فرامنطقه‌ای سعی در برهم زدن نظم منطقه



دارد. ادعای این کشور بنا بر مالکیت بر این جزایر سه گانه اخیراً هم مطرح گردید. علت اصلی این ادعاهای واهی و تلاش در رخنه به جزایر سه گانه ایرانی از جانب امارات متحده عربی بیشتر بدلیل اهمیت و موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک این جزایر و ایفای نقش اساسی در تأمین امنیت و تسلط بر تنگه هرمز بعنوان شاهراه مبادلات تجاری جهان می باشد.

۸- حاکمیت ایران بر جزایر

از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون به طور کلی دولت ایران درباره حفظ امنیت جزیره ابوموسی و ساکنان آن، حتی ساکنان عرب زبان شارجه، حاکمیت مؤثر داشت که ذیلاً مواردی ذکر می گردد: ۱) دستگیری و اخراج سه آمریکایی از ابوموسی از سوی مأموران ایران ۲) صدور مجوز فرود بالگرد شارجه و اماراتی در ابوموسی ۳) مخالفت دولت ایران با برافراشته شدن پرچم امارات در ابوموسی ۴) اعمال حاکمیت ایران بر حوزه نفتی مبارک در ابوموسی ۵) نظارت ایران بر رفت و آمد کشتیهای مسافری، سوخت رسان و باری شارجه به ابوموسی ۶) اعمال حاکمیت دولت ایران بر جزایر در زمان جنگ تحمیلی ۷) اعمال حاکمیت ایران در جریان کشتی خاطر امارات متحده در تمام سالهای پس از امضای توافقنامه سال ۱۹۷۱ و حتی تا سال ۱۹۹۲ هیچگونه اعتراضی به وضع موجود جزایر نداشت و تنها در این سال بود که از سوی امارات به همراه کشورهای مصر و عربستان سعودی (که در صدد تقویت موقعیت خود در منطقه بودند) ادعاهای جدیدی درباره این جزایر مطرح شد. آنها ادعا کردند که اقدام ایران در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ در پس گرفتن جزایر تنب و ابوموسی از انگلیس اقدامی ناگهانی بوده و جنبه توسعه طلبانه داشته است و آنان از پیش چگونگی مذاکرات ۱۹۷۱ ایران و انگلیس در زمینه تجدید حاکمیت ایران بر جزایر یاد شده آگاهی نداشته اند. به استناد مفاد یادداشت تفاهم



۱۹۷۱ و ضمام لاینفک آن، اعمال حاکمیت دولت ایران بر جزیره ابوموسی مورد تأیید دولت بریتانیا و حاکم شارجه بود و این یادداشت تفاهم از نظر کنوانسیون حقوق معاهدات، یک سند الزام آور حقوقی است و حاکم شارجه دارای صلاحیت برای انعقاد این یادداشت تفاهم بوده است و جای هیچ شبهه‌ای را در این مورد باقی نمی‌گذارد.

۹- بررسی مستندات ادعایی امارات بر جزایر سه گانه

سفیر ایران در لندن در تاریخ ۹ مهر ۱۳۵۱ مبنی بر آغاز روابط دیپلماتیک ایران و امارات، تهران و ابوظبی گرفتند. در پی توافق شیخ زاید، رئیس دولت امارات و امیر خسرو افشار قاسملو، پس از انعقاد تفاهم نامه ۱۹۷۱ دولتین ایران و امارات تصمیم به برقراری روابط دیپلماتیک میان اعلامیه‌ای در تهران و ابوظبی صادر شد. در این بیانیه هیچ اشاره‌ای به موضوع جزایر نشد و موضوع از سوی طرفین خاتمه یافته تلقی گردید. در پی صدور این بیانیه، منوچهر بهنام به عنوان اولین سفیر ایران در امارات استوارنامه خود را تسلیم شیخ زاید نمود و شیخ حشر آل مکتوم نیز از سوی دولت امارات به عنوان اولین سفیر آن کشور در تهران تعیین شد. با عادی شدن روابط و مناسبات میان ایران و امارات، نه امارات و نه کشورهای عربی، دیگر موضوع را مطرح نکردند و موضوع در عمل خاتمه یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برخی محافل عربی بعد از ۸ سال، مسأله تمام شده جزایر تنب و ابوموسی را دوباره مطرح کردند. محافل و کشورهای عربی که در این راستا پیشگام شدند عبارت بودند از عراق، سازمان آزادی بخش فلسطین و تا حدودی عربستان سعودی نمی‌داد. سرانجام بعد از ۲۰ سال سکوت، در اوت ۱۹۹۲ در پی تحریک چندین کشور غربی و عربی، این ادعاها در حالی طرح می‌شد که امارات عربی کوچکترین واکنشی نسبت به این ادعاها نشان نطوئه از پیش طراحی شده



کشتی خاطر را به مرحله اجرا درآورد. در پی این توطئه، امارات ادعاهای واهی خود را برای اشغال این جزایر از سوی ایران، برای اولین بار مطرح کرد و تا امروز همچنان این ادعاها را تکرار می‌کند تا خوش خدمتی خود را به اربابان خود نشان دهد.

۱۰- ادله تاریخی

حاکمیت ایران بر این جزایر به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد و در دوران صفویه، افشاریه و قاجاریه نیز این حاکمیت تداوم یافته است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۶۸).

در سال ۱۹۰۴، دولت بریتانیا به‌عنوان نماینده شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، رسماً مالکیت ایران بر این جزایر را به رسمیت شناخت (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۶۸).

۱۱- موافقتنامه ۱۹۷۱ ایران و شارجه

در سال ۱۹۷۱، ایران و شیخ‌نشین شارجه (امارات امروزی) موافقتنامه‌ای امضا کردند که بر اساس آن، ایران حاکمیت خود بر ابوموسی را تثبیت کرد و شارجه از ادعای خود صرف‌نظر نمود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۶۸).

موافقتنامه ۱۹۷۱ بین ایران و شارجه (امارات متصالحه) یکی از اسناد مهم تاریخی در روابط ایران و امارات متحده عربی است که به مسئله حاکمیت بر جزایر سه گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) مربوط می‌شود. این توافق در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ (۹ آذر ۱۳۵۰) بین دولت ایران و حکومت شارجه امضا شد و نقش مهمی در تعیین وضعیت این جزایر ایفا کرد. جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در خلیج فارس از دیرباز مورد ادعای ایران و برخی امارات عربی بودند. در دوران استعمار بریتانیا، این جزایر تحت نفوذ بریتانیا قرار داشتند،



اما ایران همواره ادعای حاکمیت بر آنها را مطرح می کرد. با خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ و تشکیل کشور امارات متحده عربی، مسئله حاکمیت بر این جزایر به یک چالش جدی تبدیل شد.

۱۲- مفاد اصلی موافقتنامه ۱۹۷۱

۱- جزیره ابوموسی

ایران و شارجه توافق کردند که این جزیره تحت حاکمیت مشترک اداره شود. نیروهای ایران در بخش شمالی جزیره مستقر شدند، در حالی که نیروهای شارجه در بخش جنوبی باقی ماندند. درآمد حاصل از منابع طبیعی (مانند نفت) بین دو طرف تقسیم شد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۶۹).

۲- جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک

این دو جزیره به طور کامل تحت حاکمیت ایران قرار گرفتند. نیروهای ایرانی در این جزایر مستقر شدند و شارجه ادعای خود را پس گرفت.

۱۳- واکنشها و پیامدها

این توافق با مخالفت برخی کشورهای عربی، به ویژه عراق و الجزایر، مواجه شد. امارات متحده عربی پس از تشکیل، این توافق را به رسمیت شناخت، اما در دهه های بعد گاهی ادعاهای مجددی مطرح کرده است. ایران همواره بر موافقتنامه ۱۹۷۱ به عنوان سند قانونی حاکمیت خود تأکید دارد.



امروزه ایران کنترل کامل بر جزایر سه گانه را در دست دارد، اما امارات گاهی ادعای مالکیت بر آنها را تکرار می‌کند. این مسئله همچنان به عنوان یکی از چالشهای سیاسی بین ایران و امارات مطرح است

نتیجه گیری

جزایر ابوموسی و تنب از آغاز تاریخ، جز قلمرو ایران بوده است. در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی نیز از توابع بندر لنگه بوده و توسط حکام لنگه که ایرانی بودند اداره میشدند. در گزارشات سر جان ملکم، کاپیتان هین، کاپیتان جرج بارنس بروکس، کلنک رابرت تیلور، کاپیتان استیف و منستابل از جزایر تنب و ابوموسی به عنوان جزایر متعلق به ایران نام برده شده است. افزون بر آن در نقشه نیروی دریایی بریتانیا در سال ۱۸۸۱، نقشه وزارت دریاداری بریتانیا در سال ۱۸۶۳، نقشه ایران رنگ آمیزی شده است. تهیه شده توسط وزارت جنگ بریتانیا در سال ۱۸۸۶، جزایر تنب و ابوموسی به رنگ سرزمین ایران دولت بریتانیا برای جلوگیری از حضور رقبا و حفظ تسلط انحصاری خود بر خلیج فارس، اقدام به اشغال جزایر تنب و ابوموسی نمود. دولت ایران بارها به این اشغال غیر قانونی اعتراض نمود و تا سال ۱۹۷۱ به طور مستمر و قاطع بر حق حاکمیت خود بر این جزایر تاکید نمود. طبق قرارداد ۱۸۹۲ بریتانیا با شیوخ عرب مبنی بر به عهده گرفتن مسئولیت امور خارجی شیخ نشینهای خلیج فارس، ایران تنها حاضر به مذاکره با بریتانیا بود. متعاقب مذاکرات متعدد ایران و بریتانیا در ۱۹۶۸ گشت و وضعیت جزایر به دوران قبل از دوران استعمار بازگشت. نهایتا با ثرف نظر کردن ایران از حاکمیت خود در بحرین، جزایر سهگانه به حاکمیت ایران اعاده ادعاهای پوچ و بی اساس دولت امارات، هیچ گونه مبنای حقوقی ندارد و ماهیت بیشتر این ادعاها، صرفا سیاسی میباشد و این جزایر همانگونه



که از قبل، ایرانی بوده تا ابد هم ایرانی خواهد ماند و جز لاینفک حاکمیت ایران خواهد بود. برای شناساندن حاکمیت ایران بر جزایر سهگانه خصوصا ابوموسی، نیاز است تا دولت ایران اقداماتی را برای روشن نمودن افکار عمومی جهان انجام دهد. یکی از این اقدامات، توسعه گردشگری و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در ابوموسی میباشد. ایران می تواند این جزایر به به مناطق اقتصادی، تفریحی و تجاری تبدیل کند. همچنین دولت ایران می تواند با تصویب قوانین تسهیل سرمایه گذاری ایرانیان شرایط را به گونهای فراهم کند که مردم کشورمان بجای اینکه میلیاردها دلار پول را در دویی و سایر شهرهای امارات سرمایه گذاری کنند و باعث رونق شهرهای کشور امارات گردند در جزایر ایرانی سرمایه گذاری نموده و باعث رونق اقتصادی کشور خود گردند و بدین ترتیب، تعلق خاکی جزایر به ایران، رنگ تعلقات اقتصادی و اجتماعی مستحکم تر به خود بگیرد.

همچنین سفر مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی ایران به این جزایر، بیش از پیش تجلی حاکمیت فرهنگی، میتواند نقش مؤثری را برای خنثی کردن اقدامات تبلیغاتی این کشورها داشته باشند. ایران خواهد بود. سفارت خانههای ایران در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، بخصوص ریزنان و در پایان پیشنهاد می گردد که دولت جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۰ اردیبهشت (روز ملی خلیج فارس) همایش بین المللی خلیج فارس را با حضور مقامات بلند پایه دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر سران و نمایندگان دیپلماتیک کشورها و سازمانهای بین المللی، در جزیره ابوموسی برگزار نماید.

دلایل اصلی این نتیجه گیری عبارتند از: اسناد تاریخی، از جمله قراردادهای دوران قاجار و پهلوی (مانند قرارداد ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه)، گواهی می دهند که این جزایر تحت



حاکمیت ایران بوده‌اند. حضور مستمر نظامی و اداری ایران در این جزایر، به ویژه پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس، مؤید اعمال حاکمیت مؤثر است. اصل تقدم در کشف و تصرف مؤثر به نفع ایران است، زیرا ایران پیش از تشکیل امارات متحده عربی در ۱۹۷۱، کنترل این جزایر را در دست داشت. قرارداد ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه (پیش از تشکیل امارات) به صورت دوجانبه حق حاکمیت ایران را به رسمیت شناخت و هیچ نقض آشکاری از قواعد بین‌المللی در آن مشاهده نمی‌شود. رویه دولتها و سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل) نیز عملاً حاکمیت ایران را پذیرفته است. با توجه به موقعیت این جزایر، ایران می‌تواند بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها (UNCLOS) ادعای منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) و فلات قاره را مطرح کند. اگرچه امارات متحده عربی ادعای مالکیت دارد، اما عدم اعتراض بین‌المللی گسترده به حضور ایران و عدم صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، نشانه‌ای از پذیرش ضمنی وضعیت موجود است. اختلافات سیاسی و تبلیغاتی امارات می‌تواند به چالشی برای ثبات منطقه تبدیل شود، اما از دید حقوق بین‌الملل، ادعاهای امارات فاقد پشتوانه قوی تاریخی و حقوقی است. راه‌حل پایدار ممکن است شامل تقویت گفت‌وگوهای دوجانبه یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) باشد، هرچند ایران ترجیح می‌دهد بر اساس اسناد موجود از موضع خود دفاع کند. با استناد به اسناد تاریخی، معاهدات بین‌المللی، و اصول حقوقی حاکم بر حاکمیت سرزمینی، می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک مشروع و منطبق با حقوق بین‌الملل است. هرگونه ادعای خلاف از سوی امارات متحده عربی بیشتر ریشه در ملاحظات سیاسی و امنیتی دارد تا مبانی حقوقی. بنابراین، ایران می‌تواند با اتکا به سازوکارهای حقوقی و تقویت حضور خود در این جزایر، از مواضع خود در نظام بین‌المللی دفاع کند.



دلایل اصلی این نتیجه‌گیری عبارتند از: اسناد تاریخی، از جمله قراردادهای دوران قاجار و پهلوی (مانند قرارداد ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه)، گواهی می‌دهند که این جزایر تحت حاکمیت ایران بوده‌اند. حضور مستمر نظامی و اداری ایران در این جزایر، به ویژه پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس، مؤید اعمال حاکمیت مؤثر است. اصل تقدم در کشف و تصرف مؤثر به نفع ایران است، زیرا ایران پیش از تشکیل امارات متحده عربی در ۱۹۷۱، کنترل این جزایر را در دست داشت. قرارداد ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه (پیش از تشکیل امارات) به صورت دوجانبه حق حاکمیت ایران را به رسمیت شناخت و هیچ نقض آشکاری از قواعد بین‌المللی در آن مشاهده نمی‌شود. رویه دولتها و سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل) نیز عملاً حاکمیت ایران را پذیرفته است. با توجه به موقعیت این جزایر، ایران می‌تواند بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها (UNCLOS) ادعای منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) و فلات قاره را مطرح کند. اگرچه امارات متحده عربی ادعای مالکیت دارد، اما عدم اعتراض بین‌المللی گسترده به حضور ایران و عدم صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، نشانه‌ای از پذیرش ضمنی وضعیت موجود است. اختلافات سیاسی و تبلیغاتی امارات می‌تواند به چالشی برای ثبات منطقه تبدیل شود، اما از دید حقوق بین‌الملل، ادعاهای امارات فاقد پشتوانه قوی تاریخی و حقوقی است. راه‌حل پایدار ممکن است شامل تقویت گفت‌وگوهای دوجانبه یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) باشد، هرچند ایران ترجیح می‌دهد بر اساس اسناد موجود از موضع خود دفاع کند. با استناد به اسناد تاریخی، معاهدات بین‌المللی، و اصول حقوقی حاکم بر حاکمیت سرزمینی، می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک مشروع و منطبق با حقوق بین‌الملل است. هرگونه ادعای خلاف از سوی امارات متحده عربی بیشتر ریشه در ملاحظات سیاسی و امنیتی دارد تا مبانی



حقوقی. بنابراین، ایران می‌تواند با اتکا به سازوکارهای حقوقی و تقویت حضور خود در این جزایر، از مواضع خود در نظام بین‌المللی دفاع کند.

پیشنهادهای:

- ۱- جمع‌آوری و انتشار اسناد تاریخی، نقشه‌ها و معاهدات (مانند قرارداد ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه) به زبان‌های بین‌المللی برای اثبات حاکمیت مستمر ایران بر این جزایر.
- ۲- تعریف دقیق منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) و فلات قاره ایران بر اساس موقعیت این جزایر، با تأکید بر حق حاکمیت ایران در بهره‌برداری از منابع طبیعی.
- ۳- در صورت لزوم، اقدام از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) یا سازمان ملل برای ابطال ادعاهای امارات مبتنی بر تفسیرهای نادرست از UNCLOS.
- ۴- استفاده از دیپلماسی برای کاهش تنش‌ها و جلب حمایت کشورهای همسایه از موضع ایران.
- ۵- مطالعه پرونده‌های مشابه در حقوق بین‌الملل (مانند اختلافات جزیره‌ای در دریای چین جنوبی) و استفاده از تجربیات موفق دیگر کشورها.



منابع و مآخذ

- ۱- آقا حسینی، علیرضا؛ حسین مهدیان؛ حمیدرضا بیات. (۱۳۹۴). تحلیل سازه انگارانه ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه ایرانی، فصلنامه ژئوپولیتیک. دوره ۱۱. شماره ۲. صفحات ۸۷-۶۰.
- ۲- افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۸۰)، جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک، تهران، دفتر مطالعات مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳- افشردی، محمدحسین. (۱۳۸۶). بررسی میزان مطابقت و تفاوت های قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان (۱۳۷۲) با کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲ م). نشریه: پژوهشهای جغرافیایی. دوره: ۳۹، شماره: ۵۹. صص ۱۴۱-۱۶۰.
- ۴- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۹). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: نشر نهضت.
- ۵- امامی، محمد و موسوی زاده، سید باقر. (۱۳۹۲). "تحلیل حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی". فصلنامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۵(۲)، ۸۵-۱۱۰.
- ۶- امیری، علی. نادری، حجت. (۱۳۹۹). نقش جزایر سه گانه در سیادت دریایی ایران در خلیج فارس، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۸. صص ۳۶۳-۳۳۹.
- ۷- الهی، همایون؛ (۱۳۸۷). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس.



۸- انوشه، شهرزاد. (۱۳۹۰). اثر مخارج تحقیق و توسعه بر رشد اقتصادی به تفکیک بخشهای سرمایه گذار (مطالعه موردی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی) (OIC) فصلنامه اقتصاد کاربردی. سال دوم. شماره هفتم. زمستان. صفحات ۷۸-
<https://www.sid.ir/paper/۲۰۲۰۶۶/fa۵۹>.

۹- اونز، گرامام؛ جفری، نونام؛ (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.

۱۰- برانلی، ایان؛ (۱۳۸۳). حقوق بین الملل در واپسین سالهای قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.

۱۱- بوزان، بری. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۲- بوزان، بری. (۱۳۷۹). آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی، گفتوگوی علمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم. شماره سوم. پاییز. شماره مسلسل ۹.

۱۳- جالینوسی، احمد؛ براری آرائی (۱۳۸۶). جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک) بخشهایی جدانشدنی از ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره ۲۴۴-۲۴۳. صفحات ۶۱-۴۸.



۱۴- جانسیز، احمد. اعجازی، احسان. (۱۴۰۲). ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی برای تثبیت حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک. جغرافیا و توسعه. دوره ۲۱، شماره ۷۰ - شماره پیاپی ۷۰. صص ۲۴۹-۲۶۷.

۱۵- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۷۶)، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، تهران، دفتر -حق شناس کمیاب،

۱۶- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۵). هفت هزار سال حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی، پژوهش بین الملل دریاها، فصلنامه الهیات و حقوق، ش ۲، فصل زمستان، صص ۵۷-۸۸

۱۷- جلالی، محمد. ایزدی، حجت. (۱۳۹۱). دلایل تاریخی و حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز. دوره چهارم، شماره ۱. صص ۷۰-۳۲.

۱۸- چرچیل، رابین و آلن لو، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۸ (چاپ اول) و ۱۳۹۴ (چاپ سوم).

۱۹- حجت زاده، علیرضا، (۱۳۸۹). وضعیت حقوقی جزایر سه گانه خلیج فارس از دیدگاه حقوق بین الملل دریاها. فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۲.

۲۰- حسین زاده، حسین، (۱۳۸۰). دلایل حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد دانشگاه شیراز، شیراز.



- ۲۱- حسن زاده، حسین. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت حقوقی جزایر سه گانه ایرانی با توجه به مواضع دولت ایران و امارات متحده عربی
- ۲۲- ذاکر حسین، عبدالرحیم. (۱۳۸۷). جزایر سه گانه ایرانی در تاریخ و حقوق بین الملل . تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۳- رضایی سرچقا، مجتبی. (۱۳۹۶). دلایل متقن و محکم در مورد حقانیت حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه خلیج فارس. فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس. سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۸).
- ۲۴- روسو، شارل؛ (۱۳۴۷). حقوق بین الملل عمومی، ترجمه محمدعلی حکمت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.
- ۲۵- زارع بیدکی، محمد. (۱۳۹۵). "مروری بر تاریخچه حاکمیت ایران بر جزایر خلیج فارس". مجله تاریخ پژوهی، ۱۸ (۶۴)، ۴۱-۶۰.
- ۲۶- ساداتی نژاد، سید محمد. (۱۳۹۱). بررسی روند مدیریت بحران مربوط به جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی در سالهای ۱۹۷۱ - ۱۹۶۸ با نگاهی به نظریه پختگی بحران زارتمن. فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۶۷-۹۰.
- ۲۷- ستوده، منوچهر. (۱۳۸۲). خلیج فارس در اسناد تاریخی. تهران: نشر قومس



۲۸- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی خان؛ (۱۳۷۱). سرزمینهای شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، ترجمه احمد اقتداری، تهران: شرکت انتشارات جهان معاصر.

۲۹- سر آرنولد ویلسون، خلیج فارس، ترجمه محمد سعید یوچاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۲.

۳۰- سید علی، (۱۳۸۹). حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر تنب و بوموسی، تهران، انتشارات سنا مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران .

۳۱- صیرفی، ساسان. (۱۴۰۲). بازخوانی بند ۳ ماده ۲۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو رأی دیوان داوری دریای چین جنوبی با نگاه ویژه به مرزهای دریایی تحدیدنشده ایران در خلیج فارس. مجله حقوقی بین المللی، شماره ۷۰. صص ۵۲-۱۰.

۳۲- ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ (۱۳۸۵). حقوق بین الملل عمومی، تهران: گنج دانش

۳۳- طبرسا، نقی، (۱۳۹۰). جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی ابوموسی، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۳۴- فرهمندزاد، زینب. (۱۴۰۱). مروری بر حاکمیت بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک از منظر حقوق بین الملل. دوفصلنامه علمی حقوق بشر و شهروندی. دوره ۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۴، صص ۱۳۵-۲۲۸.



۳۵- قالیباف، محمدباقر. میرزاده کوشاهی، مهدی. (۱۳۸۸). علل و موانع توسعه جزیره ابوموسی. جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران). دوره جدید، سال هفتم، شماره ۲۰ و ۲۱. صص ۲۴-۸.

۳۶- قربانی، مهدی. طبرسا، نقی. اردستانی، احمد. (۱۳۹۷). از استناد حقوقی بریتانیا در اشغال جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک تا رد آن از جانب ایران طی سالهای ۱۹۰۳ تا ۱۹۷۱ میلادی. فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس، سال چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۳).

۳۷- قربانی، مهدی. بخشایشی اردستانی، احمد. طبرسا، نقی. (۱۳۹۷). رد ادعای حقوقی بریتانیا در قضیه جزایر سه گانه در مجامع بین المللی. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۱۴۳-۱۱۷.

۳۸- گلوردی، عیسی؛ (۱۳۸۱). جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.

۳۹- میرحیدر، دره. ۱۳۸۰؛ مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ هفتم، تهران: سمت.

۴۰- موحد، محمدعلی. (۱۳۷۸). خلیج فارس و کشورهای مجاور. تهران: انتشارات خوارزمی.

۴۱- موسوی جهرمی، یگانه. (۱۳۸۹). توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران: دانشگاه پیام



۴۲- وزارت امور خارجه ایران. (۱۳۹۰). اسناد نام خلیج فارس، میراثی کهن و جاودان.

۴۳- هیرمیداس باوند، داود، (۱۳۷۷). مبانی تاریخی، سیاسی و حقوق حاکمیت ایران بر

جزایر تنب و ب) مقالات نامه علوم سیاسی، س ۱، ش ۴، صص ۱-۲۵

۴۴- روزنامه جام جم؛ ۱۳۹۱/۱/۲۰.

۴۵- روزنامه همشهری آنلاین، شماره ۱۵۳، آذر ۱۳۸۸